بازنگری اخلاقی
۶

احیـای فرهنگ ایثار و از خود گذشـتگی که از دیگر دسـتاوردهای انقلاب اسلامی بود، از جمله اصول بازنگری اخلاقی است. این اصل اگرچه در دهه اول عمر نظام حرف اول را در روابط اجتماعی و سیاسـی می‌زد اما آن گوهر ناب نیز با گذشـت سـال‌ها، رفته رفته به تیرگی گرائید و بدیهی است همه چیز را برای خود و خودی‌ها خواسـتن جایگزین آن شـد؛ به نحوی که امروز دیگر گذشت و فداکاری برای دیگران به نوعی بلاهت تشـبیه می‌گردد. شـهدا و ایثارگران در آن دوران سـتون این خیمه ارزشی بودند و به تبعیت از آنان مردم نیز در زندگی روزمـره خویش به صداقت و گذشـت و ترحم به حـال ضعیفان پای‌بند بودند و بی‌رحمی، کینه توزی و انتقام و حسادت کمتر دیده می‌شد.

آنچـه امـروزه در بدترین وضعیت اقتصادی می‌تواند نجات‌بخش باشـد توجه به حال اکثریت مردم اسـت که در باتلاق فقر دسـت و پا می‌زنند و دسـت خود را به نشـانه کمک دراز کرده‌اند، اما مردمی که همه حال و روزی مشـابه دارند از یاری دادن همدیگر عاجزند و اقلیتی که در سـایه همـان ایثارگری‌ها به آلاف و الوفی رسـیده‌اند نیز هیچ انگیزه‌ای ندارند. در این میان دولت‌ها که ثروت عمومی به امانت نزد آنان اسـت همچون درماندگان عمل می‌کنند امّا آنان همچون قشر مرفـه صاحب اختیار ثروت خود نیسـتند و باید امانت را به اهلش بسـپارند، ولی متأسـفانه در بسیاری از مقاطع مردم مشـاهده می‌کنند همان ثروت ملی به تاراج اختلاس‌هـای نجومی می‌رود و دسـت دولت‌ها برعکس در جیب مردم اسـت و بـا ترفندهـای مختلف که از همه آنهـا مهم‌تر تورم و بی‌ارزش شـدن پول ملی اسـت، این دارایی اندک هم به تاراج بازار گرانی می‌رود و در این میان لجاجت و خودخواهی و باندبازی، مانع حل مشکلاتی می‌شود که به راحتی قابل حل هستند. یعنی دست‌های پنهان سالیان سال است که آرامش مملکت و رفاه مردم و تعامل بـا جهان و وحدت بین مسـئولان را کامـلاً در تضاد با منافع خـودی می‌بینند و برعکس تمام سعی و کوشش آنها برای حل نشدن مشکلات و بالاتر از آن دامن زدن به اختلاف و تفرقه می‌باشد و هر زمان که گرهی درحال باز شدن است سریعاً خود را می‌رسـانند و گره‌های متعدد دیگری می‌زنند و عجیب اسـت آنقدر قدرت دارند که هیچ فرد و نهادی نمی‌تواند مانع آنان شـود. این پیوند شـوم و خانمان برانداز ثروت و قدرت تا باقی اسـت نمی‌توان امیدی به بهبود وضع کشور داشت. آن فرهنگی که باید احیا شـود، بی‌قراری مسئولان برای حل مشکلات محرومان است. مدیران آن روزگار خاطرات بسیاری از این فرهنگ ارزشمند دارند.

در نوشته‌های گذشته به تناسب موضوع، مصادیقی ذکر شد تا بلکه راهنمای عمل حکومت‌داری و حاکمان باشـد. پـس از خاتمه جنگ، آن روحیه بی‌قراری برای رسیدگی به حال مردم بویژه در استان‌های درگیر، کاملاً مشهود بود. اگرچه در همان سـال‌های جنگ نیز گاه و بیگاه مسـئولین کشوری و نخست وزیر آن زمان، مستقیم تلفن می‌زد و از استاندار وضعیت آرد و نان و صف‌های نانوایی را پرس‌وجو می‌کرد. اما با پذیرش قطعنامه، در فاصله کوتاهی استان ایلام پذیرای رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و نخسـت‌وزیر بود که بـا لطافت و گرمای محبت بی‌دریغی در جمع مسئولان و مردم حاضر می‌شدند و به پاس هشت سال تحمل انواع و اقسـام رنج‌ها و مصیبت‌ها، آماده انجام هر خدمتی برای بهبود وضع آنان می‌شـدند. این سـفرها حداقل برای ایلام و کرمانشـاه منجر به تشکیل جلسه فوق‌العاده دولت در تهران به مسـئولیت رئیس‌جمهور و حضور رئیس مجلس و سایر مسئولان شد. در آن جلسه نگارنده بعنوان استاندار ایلام گزارشی ارائه کرد و این آیه «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آیه ۲۷۳ سوره بقره) را متذکر شد.

یعنـی برای آن نیازمندانی که در راه خدا فـرو مانده‌اند و نمی‌توانند در زمین سـفر کنند و از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشـان می‌شناسـی، با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند و هر مالی به آنان انفاق کنید قطعاً خدا از آن آگاه است.

همیـن آیه مبارکـه عزم جمع را برای کمک جزم‌تر کـرد و خداوند متعال با آنان به روشـنی سـخن گفت چون مردم ایلام مصداق روشـن این آیه بودند و چه تصمیمات اساسـی و سرنوشت‌سـازی در آن جلسـه گرفته شد که استان را دگرگون کرد.

امروز باید از مسـئولان نظام سـؤال کـرد آیا به نظر آنان ایـن آیه مبارکه، وضعیت فعلی مردم ایران را تداعی نمی‌کند؟ مردمی که بشدت نیازمند و گرفتار هستند و به قول معروف با سیلی، صورت خود را سرخ نگه می‌دارند. باید به داد آنها رسـید، یا از این نجابت سوءاسـتفاده کرد؟ البته که دین و عقل و انسـانیت حکم می‌کند باید همه چیز را کنار گذاشت و به علت‌العلل مشکلات فعلی کشور برای گشـایش در کار مردم پرداخت و این مهم با شعار و سخنرانی و تصمیمات مقطعی عملی نمی‌شـود. جامعیت، فوریت و کنار گذاشـتن سیاست‌بازی، شرط اول اسـت و البته در کنار آن باید همان روحیه سال ۶۷ در آنان زنده شود و اگر حفظ نظام از اوجب واجبات است، حفظ مردمی که این نظام را بنا کردند و از آن انتظار خدمت دارند بالاتر است. پس تعلل نکنید و نامحرمانی که همچون انگل از این انقلاب و خون شهداء و ایثارگران تغذیه می‌نمایند را با قاطعیت کنار بزنید و به وسـواس خناسان توجه نکنید و بدانید تنها راه حفظ نظام راضی نگهداشتن مردم است و بس.

احمد حسینی

شاخصه‌های اخلاقی در فرماندهی، به روایت همرزمان

به مناسبت سالروز شهادت سرلشکرشهید منصور ستاری

پانزدهم دی ماه سـالروز شـهادت سرلشـکر منصور سـتاری، فرمانده توانمند نیـروی هوایی ارتش جمهوری اسـلامی ایران و تنی چند از رزمنـدگان این نیرو در یک سـانحه هوایی در سال ۱۳۷۳ است. شهید منصور ستاری حقیقتاً یک نخبه بـود؛ هم از لحاظ فکری، ذهنی، علمی و عملیاتـی، هم از لحاظ انگیزه و ایمان و اخلاق و حضور در عرصه‌های دشوار. شهید ستاری در میدان‌های جنگ، بارها تا مرز شهادت پیش رفت و پیوسته در طلب شهادت بود. او شـب و روز نمی‌شـناخت و تمامی لحظات زندگی خود را وقف خدمت به اسلام و نظام اسلامی کرده بود.

امیر سرتیپ خلبان حبیب بقائی، فرمانده پیشین نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بیان ویژگی‌های شـخصیتی سرلشکر سـتاریمی گوید: اولین باری که بعد از دانشـکده افسری ایشان را دیدم، سـال ۶۱ یا ۶۲ بود؛ در یک کانکس آبی رنگ در ایسـتگاه حسینیه خوزستان اهواز. یکی از عملیات‌های (بدر یا خیبر) می‌خواست انجام بشود. گروهی به نام «بیت‌الزهرا» اوایل انقلاب در نیروی هوایی تشـکیل شده بود که در منطقه از نیروها حمایت و پشـتیبانی می‌کرد. آنها کانکس را در آنجا قرار داده بودند. شهید ستاری با شهید بابایی وضو می‌گرفتند. وضوی آنها خیلـی با معنویت بـود. در بعضی مسـائل، حالت‌هایی به انسان دسـت می‌دهد که شاید تشـریح آن سخت باشد، ولـی من آن صحنه‌ای که آنها با هـم و در کنار هم قرار می‌گیرند و با هم محشـور می‌شـوند را، آن روز احساس کردم. اخلاق و رفتار و منش شـهید سـتاری به گونه‌ای بود که حکم پدر برای بقیه داشت. اختلاف سنی زیادی با هم نداشـتیم، ولی همه احساس می‌کردند که ایشان مثل پدر همه ما هسـتند. بسیار خوش‌اخلاق، خوش برخورد و مهربـان بودند. ضمن اینکه موهایشـان هم یک مقداری سـفید بود، ولی جـوان بودند. آدم احسـاس می‌کرد یک فرزنـد با پدرش صحبت می‌کند. این بود که ما ایشـان را دوسـت داشتیم و همیشـه عزت و احترامی در حد تکریم بی‌نهایت برای ایشـان قائل بودیم. شـهید بابایی و شهید سـتاری تقریباً در کنـار هم بودند. بیشـتر ارتباط این دو بزرگـوار از سـال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در قـرارگاه رعد برقرار شـد. از همان‌جا اینها با هم می‌رفتنـد و می‌آمدند. تقریباً قرارگاه رعد به معنای واقعی در پایگاه جنوب تشکیل شد و شـروع عملیات آن هم پشتیبانی عملیات والفجر ۸ بود که یکی از شاهکارهای عملیاتی بود و نیروی هوایی نقش بسـزایی چه در بخش آفند و چه در بخش پدافند در این مأموریـت انجام داد. این دو بزرگـوار در کنار هم بودند و شهید بابایی همیشه با تمام وجود به ایشان تکیه می‌کرد. یعنی به عنوان بزرگتر خودشـان هم احترام خاصی برای ایشـان قائـل بودند. همین جمله‌ای که گفتم که ایشـان جایگاه پدری داشـت، خیلی معنی دارد. یعنی انسان برای کسی که چنین احساسی نسـبت به او داشته باشد، عزت و احترام خاصی قائل اسـت. نحوه ارتباط شـهید ستاری بـا دیگران از سـرباز وظیفه گرفته تا مقامـات بالا نمونه بود. مثلاً یک جایی می‌رفت دسـتش را روی گردن سرباز می‌انداخت و سرش را نوازش می‌کرد. با سربازان روبوسی می‌کرد و آنان را در آغوش می‌گرفت. این صحنه‌ها خیلی زیبا بود. شـهید سـتاری یک انسـان معنوی همه بُعدی بـود. متعالی بود. پـدر خانواده نیروی هوایـی بود. پیامبر عظیم‌الشأن اسـلام صلی‌الله علیه وآله وسلم برای مکارم اخلاقی مبعوث شدند. ایشان الگو را از همانجا گرفتند. کار که وظیفه‌مان است. ما می‌دیدیم شهید ستاری می‌رود در کلاس دانشـگاه و دانشجویان را با عنوان پسرم یا عزیزم خطـاب می‌کنـد. آن خطاب حبیب جونم ایشـان به من، تا آخر عمرم از یادم نمی‌رود. شـهید سـتاری یک انسان پرتـلاش، فعال و اهل مطالعـه بود. تمام ایام که مجلات

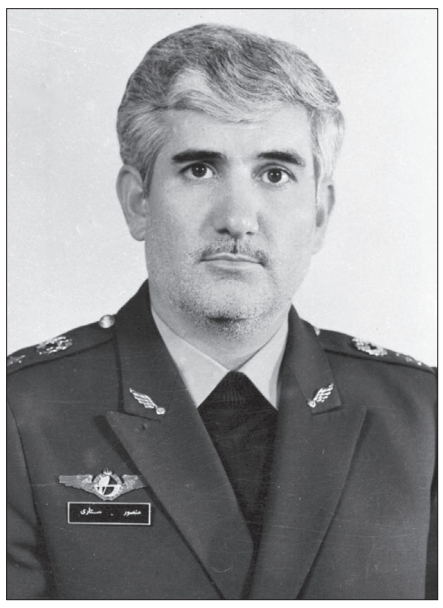

خارجی مرتبط بـا نیروی هوایی چه در بخش آفند چه در پدافند ترجمه می‌شـد و در اختیار پایگاه‌ها و واحدها قرار می‌گرفت، ایشـان همه آنها را مطالعـه می‌کردند. بالطبع خود ایشـان اطلاعات کامل و جامعی از همه سـامانه‌ها داشـتند. شـخصیتی بود که بـا کارهای کوچـک اقناع نمی‌شد. بعضی انسانها مثل نور می‌تابند. یعنی تفضل خدا هم شـامل حالشان می‌شـود. بعضی از کارهای ایشان را بعد از شـهادت ایشـان شنیدم. نقاشـی هم می‌کردند. در خانه کارهـای هنری با چوب هم انجـام می‌دادند. یعنی لحظه‌ای از زندگی را اجـازه نمی‌داد که به بطالت بگذرد. شهید ستاری این جور شخصیتی بودند. شهید ستاری یک انسـانی بود که می‌خواسـت کارهای بزرگی انجام بدهد و بسـترهایش را هـم مهیا می‌کرد و ایـن فرهنگ و این اسـتعداد و این دانش و علم را ترویج می‌داد که تبدیل به یادگاری از آن دوران شد. دانشگاه هوایی شهید ستاری را بنیان کردند، اینجا آموزشگاه هوایی بود که تبدیلش کردند به دانشگاه و انواع و اقسام تخصص‌های پیچیده‌ای که در نیروی هوایی وجود دارد مثل بـرق، مخابرات، ارتباطات، الکترونیک، مکانیک، متالوژی و هر رشته‌ای که در نیروی هوایـی کاربرد دارد، در آنجا ایجاد کردند. الان دانشـگاه هوایی شهید ستاری به عنوان یکی از دانشگاه‌های خوب و علمی است.

یکـی از مقاطـع درخور توجـه زندگی شـهید منصور سـتاری دوران دانشگاه این شهید اسـت که ناگفته‌های زیادی از ویژگی‌های رفتاری و شـخصیتی ایشان از زبان هم‌دانشگاهیانی که بعدها دوستان صمیمی و همرزمان او در عرصه دفاع مقدس شدند نهفته است. دوران دانشجویی سرلشگر شهید منصور ستاری جزو بخش‌های ویژه و پر از رویدادهای گوناگون در زندگی فرمانده فقید نیروی هوایی ارتش اسـت. ویژگی‌هایی ناگفته یا کم‌تر بیان شده از این شـهید والامقام از زبان و نگاه هم‌دانشگاهیانی که بعدها بعدها دوسـتان صمیمـی و همرزمـان او در عرصه دفاع مقدس شـدند. به واسـطه جدیت، پشتکار، رفتار و اخلاق شهید ستاری این خاطره‌ها در یادها ماند و آن‌هایی که به دوسـتان صمیمی و نزدیک او بدل شدند، از جمله سرتیپ محمـد عمادالسـاداتی، یار و همکلاسـی دیرین شـهید سـتاری خاطرات و یادگارهای مشترک زیادی از روزهای بودن در کنار شهید ستاری دارد. وی دربخشی از خاطرات خود می‌گوید: «من در طول خدمتم از لحاظ کاری همیشه دورادور با ایشـان کار می‌کردم. اما در دانشـکده افسری، اتفاقاتی افتاد که منجر به دوستی ما شد. در دانشکده بالغ بر چهار صد و ده یا بیسـت دانشجو بودیم. چهار گروهان در دانشـکده داشتیم و من با شهید ستاری، هر دو در یک گروهان قرار داشتیم. این تقسیم بندی‌ها موجب شد اغلب براسـاس همین تقسیم بندی با هم دوسـت شوند. فرق ایشـان در دوران دانشجویی و بعدها در کار نیز با بقیه در این بود کـه موضوعات را خیلی جـدی دنبال و پیگیری می‌کرد. وقت‌هایی که بسـیاری از مـا زمان آزادمان را به تفریح می‌گذراندیم یا اصلاً نمی‌دانسـتیم باید چکار کنیم، ایشـان کارهای مطالعاتی انجام مـی‌داد. هم روی زبان و هـم روی مجلات خارجـی و هم روی مسـائل ارتش و نیرو، توجه و مطالعه جدی داشـت؛ به‌طوری‌که ایشان در دوره ستوان دومی برای ساختار سازمانی نیروها، ایده‌ها و حرف‌های درخور توجهی برای گفتن داشت. ستاری، با این که دفتری بود اما از لحاظ فنی و پیشـرفت عقب نمی‌ماند و زمانی که در مانورها شـرکت می‌کرد، جزو نفرات قوی و بهتری به شـمار می‌رفت که کارهـا را به بهترین نحو انجام می‌داد. شـهید سـتاری به بهترین نحو در کارهای دفتری بچه‌ها را راضی نگه می‌داشت. با برنامه‌ریزی‌ها و نوبت‌هایـی که تعیین می‌کرد و کارهایی که انجام می‌داد تا حد ممکن به بچه‌ها کمک می‌کرد. تعامل بسـیار خوبی با همه داشت و مثلاً در مدت زمانی که در همدان حضور داشـت فداکاری‌های زیادی انجام می‌داد و اگر شـرایط افراد به گونه‌ای بود که کسـی نمی‌توانسـت شیفت بدهد داوطلب می‌شـد و جای او می‌ایسـتاد. او در همین سنین کم، ضمـن برنامه‌ریزی و سیاسـتگذاری کارهای بزرگ اداری، بـه افسـران خیلـی قدیمی‌تر کمک می‌کـرد. به طـوری که جای خـود را در دل همه از جمله همکاران و فرماندهـان پیدا کرده بود. علاوه بـر انضباط و اطلاعات دقیق بدون این که منت بر سـر کسـی بگذارد، کارهای مهمی انجام داد. ایشـان شـاخصه‌های بـارز و متفاوتی داشـت که او را از سـایر هم دوره‌ای‌ها متمایز می‌کرد و مـن از رفتار او درس‌های بزرگـی گرفتم. در طول عمرم تلاش کردم مانند ایشـان باشم. چیزی که در وجود شهید سـتاری نهفته بود، چیزی به جز پشـتکار و عدم تبلیغات نبود. ویژگی‌هایی در ایشان در آن سنین کم بارز، برجسته و درخـور توجه بود همچنانی کـه ویژگی‌های دیگری در سنین بالاتر در او شکوفا شد. مثلاً در سنینی که به سمت فرماندهی نیروی هوایی منصوب شـدند، درباره فن بیان و جذب مخاطب فعال شـدند. چنین ویژگی‌هایی شاخصه شـهید سـتاری بود و جالب آن که او این کارها را در ۱۸ سالگی انجام می‌داد. شهید ستاری چه در دانشکده افسری و چه بعدها در پدافنـد هوایی و فرماندهی نیروی هوایی، با تدبیر و بدون این که کارهایش را تبلیغ کند سـاعت‌ها بدون منت کار انجام می‌داد. همین سـواد بالا و دلسوزانه کار کردن بدون هیچ چشم‌داشتی برای دیده شدن، باعث شد تا نگاه‌ها به شهید ستاری مثبت باشد. ایشان در زمان فرماندهی شـان ارتباط بسـیار خوبی بـا خلبان‌ها و گروه همافران ایجاد کرده بودند که این روابط اجتماعی در نوع خود یک کلاس درس ارزشمند است. مثبت‌اندیشی یکی از ویژگی‌های شـهید ستاری بود این رویکرد را در جدیت تمام در کارهایش همراه داشـت. به خاطر دارم زمانی که من و شـهید سـتاری هم درجه بودیم، ایشـان به عنوان معاون عملیات پدافند هوایی مشـغول بودند. روزی برای ارائه کاری به دفتر ایشـان رفتم فصل نقل و انتقالات بود و انتقال‌ها را به نیروها داده بودند. ناگاه یک درجه‌دار در را باز کرد و داخل شـد. منشی هم اجازه نداده بود اما داخل شـد و با شهید سـتاری به تندی صحبت کرد. از کسانی بود که نمی‌توانسـت منتقل شود و دلیل می‌آورد. به تندی با سـتاری رفتار کرد پیش خودم گفتم کارش تمام است. اما شهید سـتاری با ملاطفت دست به سر آن مرد کشید و گفت: بیا بنشین. من هم رفتم آب آوردم و ستاری گفت حالا بگو ببینم جریان چیسـت و مشـکلات را بنویس تا دسـتور بدهم بررسـی و حل کنند. آن جا بـود که وقتی از شـهید سـتاری این برخورد را دیدم گفتم با این سطح از تحملی که ایشـان دارد هر مقامی که به ایشـان بدهند شایسته اوست.

نور ۳۹

اوصاف پرهیزکاران

غلام حیدر حسینی

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: پرهیزکاران و متقین کسـانی هسـتند که اهل فضائل و خوبی‌ها هسـتند، همه فضیلت‌هـا و خوبی‌ها را دارند، منطق و سخنانشـان صواب و حق اسـت و مطابق واقع، آنها در زندگی میانه‌رو و مقتصد هسـتند. همواره فروتن و متواضع هستند و از هر آنچه خدا حرام کرده است چشم‌پوشی می‌کنند و دستگاه شنوائی‌شان آنها را در مسـیر علم و دانشـی که به نفعشـان اسـت نگه می‌دارد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۵.)

در نوشـتار گذشـته جملاتی پیرامون برخـی از صفات انبیاء ذکر شـد، در این قسـمت پیرامون صفات پرهیزکاران نکاتی با اسـتفاده از بیانات حضرت علی(ع) ذکر می‌شود. در آیات قرآن و روایات متعدد، اوصاف پرهیزکاران بیان شـده اسـت. در آیات نخست سـورهٔ بقره فرموده است: آنها نماز را بپـا می‌دارنـد، به غیب ایمان دارنـد و از هر آنچه خدا به آنهـا روزی کرده انفاق می‌کننـد. در آیات دیگر نیز اوصاف پرهیزکاران ذکر شـده اسـت. حضرت امیر(ع) در خطبه‌ها صفات پرهیـزکاران را بیـان فرموده اسـت. وقتی یکی از یارانـش می‌خواهد متقین را بـرای او توصیف کند، حضرت در آغاز به یک آیه از قرآن بسـنده می‌فرماید که: پروردگار با پرهیزکاران و نیکوکاران اسـت؛ ولی با اصرار همّام شروع می‌کند بـه بیان اوصاف پرهیـزکاران و بقدری این کلمات مؤثر واقع می‌شـود که همام در پایان ناله‌ای سـر می‌دهد و جان می‌سپارد. کلام بلیغ و موعظه تکان‌دهنده با مستمع و شنونده این کار را می‌کند.

حضرت علی (ع) در بخشـی از این خطبه فرموده اسـت: خداوند در نظر آنها به عظمت تجلّی کرده، پس ماسوی‌الله در نگاهشان حقیر و ناچیز است. به جائی رسیده‌اند که بهشتیان و دوزخیـان را گویـا در نعمـت و عذاب مشـاهده می‌کنند، حجابها از پیش چشـم آنهـا کنار رفته و جاهـا و چیزهائی را می‌بینند که بر دیگران مخفی و پنهان اسـت. پرهیزکاران قلبشان محزون است و از شرشان همه در امانند.

خلاصه حضرت ویژگی‌های بسیاری را برای پرهیزکاران گوشـزد فرموده که دیگران اگر نگاه کنند به پرهیزکاران و متقین و از آنها الگو بگیرند حتما به سعادت می‌رسند.

پرهیـزکاران خود در رنج و تعب، لکن مردم از ناحیه آنها در رفاه و راحتی هستند. شبها در پیشگاه پروردگار به عبادت می‌ایسـتند و آیات قرآن را تـلاوت می‌کنند. وقتی به آیاتی که در مورد تشویق مؤمنان است می‌رسند، خوشحال شده و امیدوار می‌شوند. ولی با خواندن یا شنیدن آیاتی که در مورد تخویف و ترسـاندن است، وحشـت می‌کنند و با تمام وجود بـه آنها توجه می‌کنند و گویا دوزخ و شـعله‌های آن گوش آنها را می‌خراشد.

آگهی تحدید حدود عمومی املاک پذیرش شده شهرستان بندرجاسک

عملیات تحدید حدود عمومی املاک پذیرش شـده سـه ماهه اول و دوم سـال ۱۴۰۱ حوزه ثبتی شهرسـتان بندرجاسـک به شـرح ذیل در تاریخ های تعیین شده از ساعت ۸ صبح در محل املاک شروع به عمل خواهد آمد.

الف) املاک واقع در حوزه غرب جاسک قطعه ۳ بخش ۵

۱ - پلاک ۳۱۰ فرعی از ۶۲۱ - اصلی آقای محمد پور سـحاب فرزند موسی نسبت به ششدانگ یکقطعه زمین محصور واقع در روستای اغوشک خوشکاری به مساحت ۲۵۰۰۰ متر مربع

۲ - پـلاک ۱۴۲ فرعی از ۶۲۲ - اصلی آقـای عبدالحکیم بادزهره فرزند علی نسبت به ششدانگ یکقطعه یکباب چهاردیواری واقع در روستای گتان بالا به مساحت ۱۸۰۲/۹۳ - متر مربع

۳ - پلاک ۱۸۳ فرعی از ۶۲۳ - اصلی اقای ابراهیم جاودان فرزند مراد نسبت به از ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی بمساحت ۸۸۷۹۹ - مترمربع واقع در روستای بونجی

۴ - پـلاک ۱۸۴ فرعـی از ۶۲۳ - اصلـی آقای ابراهیم رحمانی فرزند احمد نسـبت به ششـدانگ یکقطعه نخلسـتان به مسـاحت ۷۵۶۷.۰۳ - متر مربع واقع در روستای بونجی شاهی مچ

۵ - پـلاک ۱۸۵ فرعی از ۶۲۳ - اصلـی آقای ابراهیـم رحمانی فرزند احمد نسـبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۵۴۰۹.۱۳ - متر مربع واقع در روستای بونجی شاهی مچ

۶ - پـلاک ۱۸۶ فرعـی از ۶۲۳ - اصلی آقای عبـاس رحمانی فرزند ابراهیم نسـبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۱۵۱.۶۱ - متر مربع واقع در روستای بونجی شاهی مچ

۷ - پلاک ۱۳۲ فرعی از ۶۲۵ - اصلی اقای محمد میری فرزند عباس نسبت به از ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی بمساحت ۶۷۵۶۹ - مترمربع واقع در روستای کوه مبارک

۸ - پلاک ۱۳۳ فرعی از ۶۲۵ - اصلی اقای شـهمراد شـیخی فرزند احمد نسـبت به از ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی بمساحت ۱۱۱۵۲۰ - مترمربع واقع در روستای کوه مبارک

۹ - پـلاک ۱۴۳ فرعـی از ۶۲۵ - اصلی آقای عظیم نوشـیروانی فرزند میرزا نسبت به ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۷۰۸۴.۶ - متر مربع واقع در روستای کوه مبارک

چهارشنبه ۱۴۰۱/۱۱/۰۵

۱۰ - پـلاک ۱۹۵ فرعـی از ۶۲۷ - اصـلی آقای جـان محمد بهادر فرزند رحمی نسـبت به ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی واقع روسـتای گنگان به مساحت ۲۵۴۵۶.۲۷ - متر مربع

۱۱ - پـلاک ۱۹۶ فرعـی از ۶۲۷ - اصلـی آقای جـان محمد بهادر فرزند رحمی نسبت به ششدانگ یکقطعه نخلستان واقع روستای گنگان به مساحت ۱۰۰۴۴۲.۴۲ - متر مربع

۱۲ - پلاک ۱۹۷ فرعی از ۶۲۷ - اصلی آقای طارق بی خشـت فرزند عمر نسـبت به ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۶۴۶ - متر مربع واقع روستای گنگان

۱۳ - پـلاک ۱۹۸ فرعـی از ۶۲۷ - اصلـی آقای حمید بی خسـته فرزند حسـین نسـبت به ششدانگ یکباب خانه به مسـاحت ۱۶۸۸.۴۵ - متر مربع واقع روستای گاوبندی

۱۴ - پـلاک ۱۹۹ فرعـی از ۶۲۷ - اصـلی آقای میران قیصر زاده فرزند محمد نسبت به ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۰۶۲۹.۲۵ - متر مربع واقع روستای گنگان

ب) املاک واقع در شهر جاسک و حومه قطعه ۴ بخش ۵

۱۵ - پلاک ۹۲۵ فرعی از ۱۱۱۴ - اصلی اقای محمد نور شـیهکی جاسـکی فرزنـد ابراهیم نسـبت بـه از ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۹۴۸۹/۹۹ - متر واقع در روستای زمین لشکری

۱۶ - پلاک ۹۲۶ فرعی از ۱۱۱۴ - اصلی اقای محمد نور شـیهکی جاسـکی فرزنـد ابراهیم نسـبت بـه از ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۴۵۹۸۸/۱۴ - متر واقع در روستای زمین لشکری

۱۷ - پلاک ۹۲۷ فرعی از ۱۱۱۴ - اصلی اقای سـهراب نجفی فرزند حسـن نسـبت به از ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۸۴۷/۰۹ - متر مربع واقع در روستای جاسک کهنه

۱۸ - پـلاک ۹۲۹ فرعـی از ۱۱۱۴ - اصـلی آقای ابراهیم کلانتری فرزند نورمحمد نسـبت به ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۸۸۷.۹ - متر مربع واقع روستای زمین لشکری

۱۹ - پـلاک ۲۰۱ فرعـی از ۱۱۱۷ - اصلی اقای احمد شـمس الدینی فرزند عبدالله نسبت به از ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۶۷۹۴/۰۸ - متر واقع در روستای کوئیک بالا

پنجشنبه :۱۴۰۱/۱۱/۰۶

۲۰ - پلاک ۶۶ فرعی از ۱۱۱۸ - اصلی اقای غلام بهروز فرزند بیژو نسبت به از ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی بمسـاحت ۳۵۶۵۳/۵ - مترمربع واقع در روستای نثری

۲۱ - پـلاک ۹۷ فرعـی از ۱۱۱۹ - اصـلی آقـای محمـد بهروجه فرزند بالانج نسـبت به ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۱۳۰۶.۴۴ - متر مربع واقع روستای باغان

۲۲ - پـلاک ۹۸ فرعـی از ۱۱۱۹ - اصـلی آقـای عبـاس بهرمـان فرزند اسمعیل نسبت به ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۱۸۸.۸۹ - متر مربع واقع روستای باغان

۲۳ - پـلاک ۹۲ فرعـی از ۱۱۲۰ - اصلی اقای رضـا کرمی پور فرزند محمد نسـبت بـه از ششـدانگ یکقطعه زمیـن مزروعی بمسـاحت ۱۴۲۶۳۳/۵۱ - مترمربع واقع در روستای رابک

۲۴ - پـلاک ۹۲۸ فرعـی از ۱۱۲۴ - اصـلی آقای بهرام بهار زئی فرزند سـبیل نسـبت به ششـدانگ یکباب خانه به مسـاحت ۱۰۰.۳۸ - متر مربع واقع روستای بحل

شنبه :۱۴۰۱/۱۱/۰۸

۲۵ - پلاک ۹۲۷ - اصلی اقای دلمراد آدیش فرزند حسـن نسـبت به سـه دانگ مشـاع از ششدانگ یکقطعه نخلستان بمساحت ۵۴۹۰ - مترمربع واقع در محله مقسا

۲۶ - پلاک ۱۲۹۸ - اصلی آقای عباس آفریدون فرزند عبدالله نسبت به ششدانگ چهارباب مغازه و تعمیرگاه به مساحت ۶۹۵.۰۵ - متر مربع واقع در محله یکبنی شهرجاسک

۲۷ - پلاک ۴ فرعی از ۱۳۵۰ - اصلی آقای عباس آفریدون فرزند عبدالله نسـبت به ششـدانگ یکباب خانه به مسـاحت ۴۸۰.۹ - متر مربع واقع در محله یکبنی شهرجاسک

۲۸ - پـلاک ۲۲۷۰ - اصـلی آقـای جـلال پاخیـره فرزند علی نسـبت به ششـدانگ یکباب خانه به مسـاحت ۲۵۴ - متر مربع واقع در محله یکبنی شهرجاسک

۲۹ - پـلاک ۱۵۴۹ - اصـلی اقای منصور مسـقطی فرزند یعقوب نسـبت به از ششـدانگ یکباب سـاختمان مسکونی به مسـاحت ۵۲۵/۶۴ - متر واقع در محله مقسا

۳۰ - پلاک ۲۲۶۶ - اصلی اقای عباس میسـوری فرزند خداداد نسـبت به از ششدانگ یکقطعه زمین به مساحت ۶۹ - متر واقع در محله مقسا

یکشنبه :۱۴۰۱/۱۱/۰۹

۳۱ - پـلاک ۲۲۶۷ - اصلـی اقـای سـعید یـدک فرزند محمد نسـبت به از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۲۳/۴۹ - متر واقع در محله مقسا

۳۲ - پلاک ۲۲۶۸ - اصلی اقای عیسـی زومکی جاسکی فرزندابراهیم نسبت به از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۰۳/۰۸ - متر واقع در محله مقسا

۳۳ - پـلاک ۲۲۶۹ - اصلی اقای مراد بخش آزیراک فرزند خیرمحمد نسبت به از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۵/۳۱ - متر واقع در محله مقسا

۳۴ - پـلاک ۲۲۷۱ - اصـلی آقـای عبـدالله آبکار فرزند موسـی نسـبت به ششدانگ یکقطعه زمین به مساحت ۵۶۰ - متر مربع واقع در شهرجاسک

۳۵ - پـلاک ۲۲۷۲ - اصـلی آقـای احمـد درایـی فرزند کمال نسـبت به ششـدانگ یکقطعـه زمین به مسـاحت ۸۲.۸۹ - متر مربـع واقع در محله مقسا پایین شهرجاسک

۳۶ - پلاک ۲۲۷۳ - اصلی آقای آغنده فرزند کلپک نسـبت به ششـدانگ یکقطعـه زمیـن بـه مسـاحت ۲۹۹۷ - متر مربـع واقع در محله مقسـا بالا شهرجاسک

ج) املاک واقع در حوزه شرق جاسک قطعه ۴ بخش ۵

۳۷ - پلاک ۱۲ فرعی از ۱۱۲۶ - اصلی اقای غلامقادر برگ بید فرزند محمد نسـبت به از ششـدانگ یکقطعه نخلستان به مساحت ۱۱۵۶۷۱/۸ - متر واقع در روستای شهرنو

۳۸ - پلاک ۱۵۲ فرعی ۱۱۳۰ - اصلی آقای محمد لشکری نژاد جاسکی فرزنـد عبـدالله نسـبت به ششـدانگ یکقطعـه زمین مزروعی به مسـاحت ۱۸۱۷۵.۴۵ - متر مربع واقع در روستای شهر نو یکدار

دوشنبه :۱۴۰۱/۱۱/۱۰

۳۹ - پلاک ۳۶۰ فرعی از ۱۱۳۲ - اصلی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) نسـبت به ششـدانگ یکقطعه زمیـن به مسـاحت ۲۴۵۲/۹۱ - متر مربع واقع در لیردف

۴۰ - پـلاک ۳۶۱ فرعـی از ۱۱۳۲ - اصلـی سـتاد اجرایـی فرمان حضرت امام (ره) نسـبت به ششـدانگ یکقطعـه زمین به مسـاحت ۱۴۹۵/۸۱ - متر مربع واقع در لیردف

۴۱ - پـلاک ۳۶۲ فرعـی از ۱۱۳۲ - اصلـی سـتاد اجرایـی فرمان حضرت امام (ره) نسـبت به ششـدانگ یکقطعـه زمین به مسـاحت ۳۱۴۶/۳۶ - متر مربع واقع در لیردف

۴۲ - پـلاک ۳۶۳ فرعـی از ۱۱۳۲ - اصلـی سـتاد اجرایـی فرمان حضرت امام (ره) نسـبت به ششـدانگ یکقطعـه زمین به مسـاحت ۱۹۵۵.۰۹ - متر مربع واقع در لیردف

۴۳ - پـلاک ۳۶۴ فرعـی از ۱۱۳۲ - اصلـی سـتاد اجرایـی فرمان حضرت امام (ره) نسـبت به ششـدانگ یکقطعه زمین به مسـا